

تحلیلی بر معماری معاصر ایران

حمیدرضا انصاری

عضو هیات علمی دانشگاه تهران

انصاری، حمیدرضا، ۱۳۵۳:	سرشناسه
تحلیلی بر معماری معاصر ایران / حمیدرضا انصاری.	عنوان و نام پدیدآور
تهران: سیزان، ۱۳۹۵.	مشخصات نشر
۱۴۴ ص.	مشخصات ظاهری
۹۷۸-۶۰۰-۱۱۷-۱۹۶-۳:	شابک
فیبا:	وضعیت فهرست‌نویسی
کتابنامه.	یادداشت
معماری -- ایران -- قرن ۱۴:	موضوع
Architecture -- Iran -- 20th century:	موضوع
معماری جدید -- ایران -- قرن ۱۴:	موضوع
Architecture, Modern -- Iran -- 20th century:	موضوع
۱۳۹۵ ۷ ت/الف/۸۱۴۸۵ NA:	رده بندی دکره
۷۳۰/۹۵۵:	رده بندی دیسی
۴۳۶۲۳۶۹:	شماره ثبت کتاب



انتشارات سیزان

میدان فردوسی - خیابان فرصت - ساختمان ۵۴ - پلاک ۴۲ - ۸۸۸۴۱ - ۸۸۳۱۹۵۵۸

تحلیلی بر معماری معاصر ایران

نویسنده: حمیدرضا انصاری

ناشر: سیزان

حروفچینی و طراحی و لیتوگرافی: واحد فنی سیزان

۸۸۳۱۹۵۵۷ - ۸۸۳۴۸۹۹۱

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۰,۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: معراج

فروش اینترنتی و online از طریق سایت آی‌ای کتاب www.iiketab.com

ISBN: 978 - 600 - 117 - 196 - 3

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۷-۱۹۶-۳

فهرست مطالب



۹	پیش گفتار
۱۱	مقدمه
۱۹	بی‌نوشته‌های دوره قاجار
۲۱	گفتار اول: معماری دوره قاجار (۱. آشنایی با شیفتگی)
۲۲	مسافرت‌های شاهان قاجار به غرب
۲۴	درگیری‌های نظامی با روسیه و انگلیس
۲۴	نحوه مواجهه روشنفکران با تمدن غرب
۲۵	تاثیر اروپا بر معماری و شهرسازی ایران
۳۴	عباس میرزا و نظام جدید
۳۵	اصلاحات در دوره قاجار
۳۶	آموزش جدید در ایران
۳۹	ویژگی‌های معماری دوره قاجار
۴۳	از آشنایی با شیفتگی
۴۷	گفتار دوم: معماری دوره پهلوی اول (از شیفتگی تا الگوبرداری حکومتی)
۴۹	مشخصات سیاسی دوره رضا شاه
۵۰	تغییر در ساختار اجتماعی - سیاسی

- ۵۲ مدرنیزاسیون در معماری و شهرسازی
- ۵۶ الف- معماری التقاطی با تاکید بر معماری ایران باستان
- ۶۰ ب- معماری التقاطی با تاکید بر معماری اروپایی
- ۶۱ ج- معماری خالص اروپایی
- ۶۳ پی‌نوشت‌های گفتار دوم
- ۶۵ چهارم: معماری دوره پهلوی دوم (از الگوبرداری حکومتی تا غربی شدن جامعه)
- ۶۶ شرایط اقتصادی، اجتماعی و امنیتی کشور
- ۶۸ افزایش درآمد های نفتی و توسعه نامتوازن
- ۷۰ نقدی بر معماری مدرن و مصالح هویت
- ۷۸ کنگره‌های بین‌المللی معماری
- ۷۹ سنت در آثار معماران
- ۸۳ گرایش‌های معماری در دوره پهلوی دوم
- ۸۹ پی‌نوشت‌های گفتار سوم
- ۹۷ گفتار چهارم: معماری دوره انقلاب اسلامی (از بازگشت به اصول مساله‌جهانی شدن)
- ۹۸ انقلاب فرهنگی و آموزش معماری
- ۹۹ توسعه حاشیه‌نشینی در شهرها
- ۱۰۰ شهرهای جدید و مسکن انبوه
- ۱۰۲ در جستجوی هویت ایرانی و اسلامی معماری
- ۱۰۶ تاثیر تحولات جهانی در حوزه نظریه معماری و ابزارهای طراحی
- ۱۰۸ برگزاری مسابقات معماری
- ۱۱۹ بازخوانی هویت در طرح‌های سفارتخانه‌های ایران
- ۱۲۰ معماری تجاری
- ۱۲۱ توسعه گفتمان نظری

۱۲۲ آموزش معماری در لبه توسعه و یا سقوط

۱۲۳ معماری جهانی و معماران جوان

۱۲۸ پی‌نوشت‌های گفتار چهارم

۱۳۱ سخن آخر

۱۳۴ پی‌نوشت‌های سخن آخر

۱۳۵ منابع

۱۳۹ منابع تک‌ویر

۱۴۱ نمایه

www.ketab.ir

پیشگفتار

مقدمه: این کتاب در پی بررسی و تحلیل آثار و تفکرات معماران و دانشمندان معماری معاصر ایران است. در این راستا، به بررسی و تحلیل آثار و تفکرات معماران و دانشمندان معماری معاصر ایران پرداخته شده است. این کتاب در پی بررسی و تحلیل آثار و تفکرات معماران و دانشمندان معماری معاصر ایران است. در این راستا، به بررسی و تحلیل آثار و تفکرات معماران و دانشمندان معماری معاصر ایران پرداخته شده است.

معماری و طراحی در ایران: معماری و طراحی در ایران، به عنوان یکی از شاخه‌های مهم و پویای هنر و فرهنگ، در طول تاریخ ایران، نقش مهمی در شکل‌دهی به محیط‌های زندگی و کار داشته است. در این راستا، به بررسی و تحلیل آثار و تفکرات معماران و دانشمندان معماری معاصر ایران پرداخته شده است. این کتاب در پی بررسی و تحلیل آثار و تفکرات معماران و دانشمندان معماری معاصر ایران است. در این راستا، به بررسی و تحلیل آثار و تفکرات معماران و دانشمندان معماری معاصر ایران پرداخته شده است.

طراحی و معماری: طراحی و معماری، به عنوان یکی از شاخه‌های مهم و پویای هنر و فرهنگ، در طول تاریخ ایران، نقش مهمی در شکل‌دهی به محیط‌های زندگی و کار داشته است. در این راستا، به بررسی و تحلیل آثار و تفکرات معماران و دانشمندان معماری معاصر ایران پرداخته شده است. این کتاب در پی بررسی و تحلیل آثار و تفکرات معماران و دانشمندان معماری معاصر ایران است. در این راستا، به بررسی و تحلیل آثار و تفکرات معماران و دانشمندان معماری معاصر ایران پرداخته شده است.





مقدمه

بحث در زمینه معماری معاصر ایران کاری بس دشوار است، زیرا تنوع نگرش‌ها و نظریه‌های
ارایه شده در این زمینه به قدری است که نمی‌توان دستیابی به نتیجه‌ای روشن و قطعی را
امید داشت. از این رو هر نویسنده‌ای که بخواهد به نظریه‌های مختلف بپردازد و آنها را مورد
نقد و بررسی قرار دهد، باید از نظری خاصی به این موضوع بنگرد.

معماری کنونی ایران و این طوطی‌شکل‌تر معماری معاصر ایران مسیر پر فراز و نشیبی را
در طی بیش از یکصد سال اخیر در پیرامون خود توسعه خود پیموده است. این معماری دارای
گرایش‌ها و رویکردهای متنوعی است که در شناخت آنها همانند هر پدیده فرهنگی
دیگر بدون داشتن شناخت جامعی از شرایط فرهنگی - اجتماعی جامعه روزگار خود امری
ناممکن است. ایران در قرن گذشته شاهد رویدادهای بسیار متنوعی در حوزه‌های مختلف
فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بوده است، به گونه‌ای که شاید هیچ دوره‌ای را در
طول تاریخ نتوان از لحاظ تنوع چنین رویدادهایی با دوره معاصر مقایسه نمود.

نکته اصلی که بر تمامی رویدادهای این عصر سایه افکنده و وجه تمایز آنها با رویدادهای
پدید آمده در تمامی اعصار پیش است مواجهه فرهنگ ایرانی با فرهنگ مغرب‌زبان است. این مواجهه‌های
که دیگر نقش "هم‌حضور" را بر عهده نداشته و به عرصه تاثیرگذاری مستقیم و
غیرمستقیم و یا حتی فراتر از آن به اقتباس و تقلید کشانده شده است.

بروز و نمود متنوع شکلی معماری معاصر تناقضات و پیچیدگی‌های فراوانی را جهت
شناخت معماری این دوره پیش روی ما قرار می‌دهد و موجب می‌شود تا دستیابی به خطوط
اصلی اثرگذار و ممتد در معماری تبدیل به امری دشوار گردد. به همین لحاظ انتخاب نقطه

آغازین برای مطالعه معماری معاصر ایران با ابهامی اولیه و پرسشی بنیادین مواجه می‌گردد. شاید بتوان آغازگاه این شناخت و مطالعه و همچنین محور تفسیر، تحلیل و نقد آثار و گرایش‌های این دوره را بر پایه وجه تمایز این دوره با دوره‌های پیشین بنا نمود، وجه تمایزی که در واقع می‌توان آن را روح عصر حاضر نامید، روحی که نه تنها معماری معاصر ایران بلکه کلیه وجوه زندگی بشر معاصر را تحت تاثیر خویش قرار داده است، روحی که از آن تحت عنوان مدرنیته یاد می‌شود و در معماری معاصر ایران در قالب واژگانی چون مدرنیسم، نوگرایی، نوآوری، نوگرایی، معاصر سازی و یا نوسازی مطرح می‌شود. هر یک از این واژگان در نزد سرگذاران دارای تفاسیر و تعابیر مختلفی هستند. حبیبی معتقد است که:

■ «هنگامی که نوگرایی (تفکر مدرن) و نوآوری (مدرنیته) به شکل‌های متفاوت و گوناگون، نوآوری (مدرنیسم) ظهور و بروز می‌یابند و جامعه روز بر تن می‌کنند، جامعه‌ای که بر حسب سلسله‌های مطلق به سرعت دگرگون می‌شود، زمانی مسلط و نو و دیگر زمانی مهجور و کهنه می‌شوند، می‌توان گفت که نوپردازی و تجدیدطلبی (مدرنیسم) رخ داده است. نوپردازی و تجدیدطلبی (مدرنیسم) نتیجه عملی نوآوری (مدرنیسم) و مری بر نوآوری (مدرنیته) و اندیشه‌های نوگرایی. به همین سبب می‌توان نوپردازی (مدرنیسم) را بر حسب زمان و مکان وقوع آن، به عنوان جریان مستمری قلمداد کرد که جلوه‌های متفاوت و بیان‌های دیگرگونه‌ای از نوآوری (مدرنیته) در آن شکل می‌گیرد.» (حبیبی، ۱۳۹۵: ۱۱)

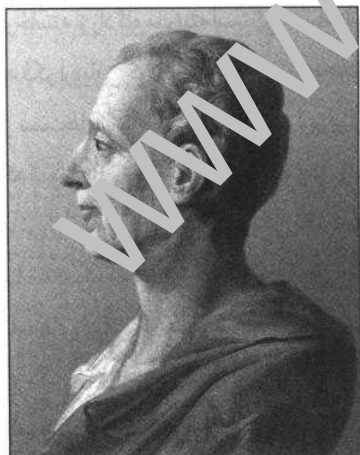
می‌دانیم مدرنیسم در ایران به یکباره رخ نداد و در طی دوره‌های مختلف، نمودها و شکل‌های بروز مختلفی داشته است. این اتفاق تنها منحصر به ایران نمی‌باشد و بسیار پیش از ایران، در کشورهای دیگر منطقه، نظیر مصر و ترکیه نیز بروز یافته است (بهنام، ۱۳۷۵: ۱). مدرنیسم حاصل مستقیم تفکر مدرن است که بنیان‌گذاران آن اروپاییان بودند. تکوین و شکل‌گیری تمدن مدرن غربی آنچنان تحولی را در عالم پدید آورد که سایر تمدن‌های شرقی، تاب مقاومت در برابر آن را نداشته و به سوی آن متمایل گردیدند، گاه علاقه‌مند و مشتاق، و گاه دیگر مطیع و فرمانبردار، و زمانی هم محتاط و یا منتقد.

سال هاست اشتیاق مواجهه با عالم مدرن در تمام سرزمین‌های شرقی دیده می‌شود. این اشتیاق که تا سر حد انکار خویشتن پیش می‌رود، را می‌توان از گفته یک اندیشمند ژاپنی دریافت که در دهه ۱۸۶۰ - آن هنگام که کشور ژاپن نشانه‌های تمدن نوین را در خود می‌پروراند - گفت: "ژاپن تاریخی ندارد، تاریخ ژاپن از امروز آغاز می‌شود".

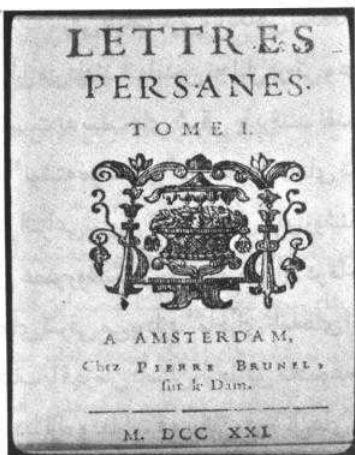
"داستان مدرنیته در ایران بیان امید و اضطرابی است که زیستن در جهان معاصر، در ما پدید آورده است". (میرسپاسی، ۱۳۸۴، ۱۳) تحقق مدرنیته در ایران مستقل از یک خانه‌تکانی فرهنگی و بریدن از بسیاری از تعلقات، بعید است که عملی شود با این حال، مدرنیته آن قدر جذاب است و سر پی افروختن آتش امید به آسایش در زندگی، آن قدر دل‌ها را مجذوب خود کرده که می‌توان به راحتی از آن گذشت. سرگذشت یکصد سال اخیر، حکایت این جذابیت از یک سر و داریسی است. دست دادن فرهنگی چند هزار ساله از سوی دیگر است. گویی "در چنین موهبت مسالمت‌آمیز ایرانیان رسیدن به نوعی تعادل روحی و فرهنگی میان هویت تاریخی‌مان و ارزش‌ها و سنت‌های جهان جدید است". (همان)

در دوره‌های مختلف، تفکران و احب‌نظران به شیوه‌های گوناگونی با مدرنیته مواجه شدند. برخی از متفکران عصر مشروطه - ایرش کامل روایت اروپامدار از مدرنیته (که روایتی برخاسته از زادگاه مدرنیته است) و متضاد ذاتی ذات شرقی با ذات غربی، با نگاهی ساده‌انگارانه به فکر اروپایی کردن ایران بودند و راه نجات را در آن می‌دیدند. آنها بدون تحلیل درونی و عمیق از سنت‌های اسلامی و ایرانی، نقد اروپاییان را نسبت به سنت‌های شرقی پذیرفتند. نقدهایی که نمونه‌های آن را می‌توان در "نامه‌های ایرانی"^۳ نوشته سید محمد تقی میر دید. نقد سنت‌های شرقی پیش از آنکه گفتمان مدرنیته شکل بگیرد به شکل انتزاعی تری در آسمان عقاید گرای روشنگری بنا شده بود. مونتسکیو که از متنفذترین متفکران عصر روشنگری به حساب می‌آید در ماجرای نامه‌های ایرانی به تفسیر شخصی خود از سنت‌های شرقی می‌پردازد. "ماجرای نامه‌های ایرانی در یک دنیای خیالی شکل می‌گیرد و خواننده کتاب با قهرمان داستان، از طریق مجموعه‌ای از نامه‌ها، که میان آنها مبادله می‌شود، آشنا می‌گردد. آراء و نظرات قهرمانان، در سال‌های میان ۱۷۱۱ تا ۱۷۲۰، در مسیری بین پاریس در فرانسه و اصفهان در ایران - همراه گزارش‌هایی از محل‌ها و مکان‌های جوراجوری که در طول راه وجود دارد - منعکس می‌شود. نویسنده به ماجرای دو دوست ایرانی می‌پردازد ... آن دو سفری نه‌ساله را به غرب آغاز می‌کنند؛ ظاهراً به

سودای کسب دانش و با این پیش فرض که شرق به تنهایی نمی تواند چشمان آنان را به حقیقت روشن کند. نامه هایی که در جریان سفر آنها از ایران به فرانسه نوشته می شود، بهانه ای می شود تا در پوشش آن، مونتسکیو بررسی انتقادی خود را در باب زوال و انحطاط شرق و علی الخصوص، امپراتوری عثمانی، بیان کند. به محض اینکه پای قهرمانان ما به پاریس می رسد، سخنانی را بر زبان می آورند که تلویحاً حاوی نقد و تمجیدهای نویسنده کتاب درباره جامعه خود است. مطابق این حریف و تمجیدها، چشمانداز مقایسه ای و سلبی ای از شرق ترسیم می شود که با در نظر آوردن آن، می توان از عناصر دموکراتیکی که در جامعه فرانسه در حال شکل گیری است، حمایت کرد. در این عناصر اقتدارگرا و جزم اندیش فاصله گرفت و آنان را منکوب نمود" (همان، ۵۲-۵۱). به این گونه است که می بینیم تفکر غربی نگاهی خاص به شرق دارد و نقد شرق را مبنایی برای نقد سنت های خود قرار می دهد و از این طریق سعی در اثبات حقانیت روشنگری و نیز مدرنیته دارد. به تبع آن، برخی از متفکران عصر مشروطه که بر پایه نگرش اروپامدارانه به نقد تفکر سنتی ایران می پرداختند از گرایش جهت دار برخوردارند و نمی توانند به درک عمیق و صحیحی از سنت ایرانی و اسلامی کشور دست یابند.



تصویر ۲: بارون دو مونتسکیو (۱۷۵۵-۱۶۸۹)



تصویر ۱: جلد کتاب "نامه های ایرانی"

اما به مرور، نگرش دیگری شکل می‌گیرد که به مشکلات پدید آمده از تفکر مدرنیته و مدرنیزاسیون حاصل از آن در جامعه می‌پردازد، نگرشی که به غرب بی‌اعتماد است. لوئیس ریشه‌های این بی‌اعتمادی را چنین بیان می‌دارد:

■ "نهادهای سیاسی که از غرب آمده بودند، اعتبار خود را از دست دادند. آنها بر مبنای اشکال اصلی غربی خود، مورد دلاوری واقع نمی‌شدند، بلکه قضاوت بر اساس صورت‌های بومی آنها صورت می‌گرفت که توسط اصلاح‌گرایان پرشور مسلمان اقتباس شده بود. آن اصلاح‌گرایان با عمل کردن در موقعیتی که خارج از کنترل آنها بود و با بهره‌گیری از روش‌های وارداتی و بی‌ربطی که به طور کامل نیز آنها را نمی‌فهمیدند، قادر نبودند از پس بحران‌های به شدت فزاینده برآیند و یکی پس از دیگری سرنگون می‌شدند. برای تعداد زیادی از اهالی خاورمیانه، روش‌های قضاوت غرب، فقر به بار آورد. چنانچه نهادهای سیاسی با اسلوب غربی نیز استبداد به ارزان‌ترین دردت حتی می‌توان گفت که حاصل جنگ به شیوه غربی نیز چیزی جز هزیمت نبرد (Lewis, 1990)

این متفکر غربی به گونه‌ای به این موضوع می‌پردازد که گویی این بحران‌ها از خود این جوامع نشأت گرفته و غرب در این رابطه هیچ گناهی نداشته است و تنها توفیقات و درخشش رشک برانگیزش بر این خشم و نزجار دامن زده است، نگرشی که نوع بسیط‌تر آن را می‌توان در نظریه "برخورد تمدن‌های" هانتینگتون^۳ مشاهده نمود. اما گویی نوشته‌های هگل^۴ را فراموش کرده‌اند که جهان را به دو بخش - شرق و غرب - تقسیم می‌کند و می‌گوید "این حق خودبه‌خود و به طور کامل برای ما محفوظ است که با مقتضای عقل به سوی بیگانگان یورش ببریم، سرزمین‌هایشان را اشغال کنیم و ویران سازیم. و البته می‌دانیم که وضعیت ذهنی آن اقوام با چنین یورش همخوان است". آری این نگرش غربی که در نوشته‌های هگل به خوبی روشن است مبنایی می‌شود تا برخی از اندیشمندان ایرانی در مقابل مدرنیته جبهه بگیرند و از بازگشت به خویشستن سخن به میان آورند و تلاش نمایند تا جریانی برخاسته از سنت‌ها و اصول فرهنگی را پی ببرند.

در این میان دسته‌ای دیگر از اندیشمندان نیز به دیده تردید نسبت به دو گروه قبل نظر

می‌کنند. آنان تعریف هویت و فرهنگ ایرانی را از آمیختگی میان فرهنگ گذشته سرزمینی و فرهنگ جدید مغرب‌زمین جستجو می‌کنند. شایگان در این زمینه می‌گوید:

■ "بر زمینه چنین جهان فروپاشیده و شکسته و قطعه قطعه شده‌ای، ایرانی بودن، به معنای ایرانی بودن در عین ایرانی نبودن است و تضادی که از این امر بر می‌خیزد در ساخت و سامان آن رخنه می‌کند. ما به لحاظ آنکه فارسی حرف می‌زنیم و از فرهنگ خودمان تغذیه می‌کنیم ایرانی هستیم. اما به لحاظ آنکه جهان‌های دیگر در جهان ما تداخل می‌کنند، که یک‌دستی‌اش را به هم می‌زنند، که تداومش را تغییر می‌دهد، فانسوی، آمریکایی و حتی ژاپنی هستیم. به نظر من آمیختگی فرهنگی در چنان سطوح گوناگون و تاریک و ناخودآگاه عمل می‌کند که هیچ‌کس از تاثیر آن یا از الهامی به آن در امان نیست." (شایگان، ۱۳۷۴، ۱۸)

